



اماکن زیارتی
منتسب
به امام زمان (عج)
در ایران و جهان

مسجد

مقدس

جمکران

علی اکبر مهدی پور

اشاره: یکی از وظایف شیعیان نسبت به حضرت بقیة الله عجل الله فرجه تکریم و بزرگداشت ایشان است. این بزرگداشت، نمودهای گوناگونی دارد. یکی از آن نمودها، تکریم مکان هایی است که به آن حضرت، منتسب است. این نوشتار، عهده دار نام بردن از این مکان ها و آداب مربوط به آنها است.

این قسمت مسجد مقدس جمکران را معرفی کرده است.

یکی از وظایف شیعیان تجلیل و تکریم اماکن منسوب به وجود مقدس حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، است.

آیة الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی (متوفای ۱۳۴۸ هجری) در کتاب گران سنگ مکیال المکارم به هنگام شمارش تکالیف مردم در عصر غیبت می نویسد:

شصت و هشتم - بزرگداشت اماکنی که به قدوم آن حضرت زینت یافته اند، مانند مسجد سهله، مسجد اعظم کوفه، سرداب مقدس، مسجد جمکران و غیر این ها از مواضعی که بعضی از صلحا آن حضرت را در آن جاها دیده اند یا در



روایات آمده است که آن جناب در آن جا توقف دارد، مانند مسجد الحرام...^۱

از این رهگذر، بر منتظران ظهور و عاشقان مَقَدِّمِ آن امام نور، لازم است که این اماکن را بشناسند و شیوه‌ی تعظیم و تکریم آن‌ها را بیاموزند.^۲ لذا در صدد برآمدیم که به فضل الهی، از این شماره، اماکن مقدّس و مشاهد مشرفِ متعلّق به آن حضرت را برای خوانندگان عاشق و دل سوخته‌ی حضرت‌اش تقدیم کنیم.

با توجّه به این که فصلنامه علمی - تخصصی انتظار در قم تهیه و چاپ می‌شود، این مجموعه مقاله‌ها را از مسجد مقدّس جمکران شروع می‌کنیم.

۱ - مسجد مقدّس جمکران

مهم‌ترین پایگاه شیعیان شیفته و عاشقان دل سوخته‌ی حضرت بقیّة‌الله، ارواحنا فدا، مسجد مقدّس جمکران، در شش کیلومتری شهر مذهبی قم است. مطابق آمار، همه ساله، بیش از دوازده میلیون عاشق دل باخته، از سرتاسر میهن اسلامی و جهان، در این پایگاه معنوی، گرد می‌آیند، نماز تحیّت مسجد و نماز حضرت صاحب الزّمان، عجل الله تعالی فرجه الشریف، را در این مکان مقدّس به جای می‌آورند، با امام غایب از ابصار و حاضر در امصار و ناظر بر کردار، رازِ دل می‌گویند، استغاثه می‌کنند، ندای «یا بن الحسن!» سر می‌دهند، از مشکلات مادّی و معنوی خود سخن می‌گویند، با دلی خون بار، از طولانی شدن دوران غیبت، شکوه‌ها می‌کنند.

آنان که از شناخت عمیق‌تری برخوردارند، به هنگام تشرّف به این پایگاه ملکوتی، همه‌ی حوائج شخصی خود را فراموش می‌کنند و همه‌ی مشکلات دست و پاگیر زندگی را به فراموشی می‌سپارند و تنها «ظهور سراسر سرور منجی بشر، امام ثانی عشر، حضرت ولیّ عصر، روحی و ارواح العالمین فدا، را مسئلت می‌کنند؛ زیرا، اگر این حاجت برآورده شود، دیگر مشکلی نخواهد ماند، و اگر این حاجت روا نشود، حلّ دیگر مشکلات، مشکل اساسی را حل نخواهد کرد.

* * *

مسجد مقدّس جمکران، روز هفدهم رمضان ۳۷۳ هجری به فرمان حضرت بقیّة الله، ارواحنا فدا، در کنار روستای جمکران تأسیس شد. تاریخچه‌ی آن - به طوری که در این نوشتار به تفصیل آمده - به دست شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هجری) در کتاب مونس الحزین بیان گردیده و کیفیت نماز تحیت مسجد و نماز استغاثه به حضرت بقیّة الله، ارواحنا فدا، در ضمن آن آمده است.

تاریخچه‌ی مسجد جمکران

آن چه مسلم است، این است که این مسجد، بیش از یک هزار سال پیش به فرمان حضرت بقیّة الله، ارواحنا فدا، در بیداری، - نه در خواب - تأسیس گردید و در طول قرون و اعصار، پناهگاه شیعیان و پایگاه منتظران و تجلی‌گاه حضرت صاحب الزّمان علیه السلام بوده است.

علامه‌ی بزرگوار، میرزا حسین نوری، (متوفای ۱۳۲۰ هجری) در کتاب ارزش مند نجم ثاقب - که به فرمان میرزای بزرگ، آن را تألیف کرد و میرزای شیرازی، در تقریظ خود، از آن ستایش فراوان کرد و نوشت: «برای تصحیح عقیده‌ی خود، به این کتاب مراجعه کنند تا از لمعان انوار هدایت‌اش، به سر منزل یقین و ایمان برسند»^۳ - تاریخچه‌ی تأسیس مسجد مقدّس جمکران را به شرح زیر آورده است:

شیخ فاضل، حسن بن محمد بن حسن قمی، معاصر شیخ صدوق، در کتاب تاریخ قم از کتاب مونس الحزین فی معرفة الحقّ والیقین - از تألیفات شیخ صدوق - بنای مسجد جمکران را به این عبارت نقل کرده است:

شیخ عقیف صالح حسن بن مثله‌ی جمکرانی می‌گوید:

شب سه‌شنبه، هفدهم ماه مبارک رمضان ۳۹۳ هجری،^۴ در سرای خود خفته بودم که جماعتی به درِ سرای من آمدند. نصفی از شب گذشته بود. مرا بیدار کردند و گفتند: «برخیز و امر امام محمد مهدی صاحب الزّمان^۵، صلوات الله علیه، را اجابت کن که ترا می‌خواند».

حسن بن مثله می‌گوید: «من، برخاستم و آماده شدم». چون به درِ سرای رسیدم،

جماعتی از بزرگان را دیدم. سلام کردم. جواب دادند و خوشامد گفتند و مرا به آن جایگاه که اکنون مسجد (جمکران) است، آوردند.»

چون نیک نگاه کردم، دیدم تختی نهاده و فرش نیکو بر آن تخت گسترده و بالش‌های نیکو نهاده و جوانی سی‌ساله، بر روی تخت، بر چهار بالش، تکیه کرده، پیرمردی در مقابل او نشسته، کتابی در دست گرفته، بر آن جوان می‌خواند.

بیش از شصت مرد که برخی جامه‌ی سفید و برخی جامه‌ی سبز بر تن داشتند، بر گرد او روی زمین نماز می‌خواندند.

آن پیرمرد که حضرت خضر علیه السلام بود، مرا نشانید و حضرت امام علیه السلام مرا به نام خود خواند و فرمود: «برو به حسن بن مسلم^۶ بگو: «تو، چند سال است که این زمین را عمارت می‌کنی و ما خراب می‌کنیم. پنج سال زراعت کردی و امسال دیگر باره شروع کردی، عمارت می‌کنی. زخمت نیست که تو دیگر در این زمین زراعت کنی، باید هر چه از این زمین منفعت برده‌ای، برگردانی تا در این موضع مسجد بنا کنند.»

به حسن بن مسلم بگو: «این جا، زمین شریفی است و حق تعالی این زمین را از زمین‌های دیگر برگزیده و شریف کرده است، تو آن را گرفته به زمین خود ملحق کرده‌ای! خداوند، دو پسر جوان از تو گرفت و هنوز هم متنبه نشده‌ای! اگر از این کار بر حذر نشوی، نعمت خداوند، از ناحیه‌ای که گمان نمی‌بری بر تو فرو می‌ریزد.»

حسن بن مثله عرض کرد: «سید و مولای من! مرا در این باره، نشانی لازم است؛ زیرا، مردم، سخن مرا بدون نشانه و دلیل نمی‌پذیرند.»

امام علیه السلام فرمود: «تو برو رسالت خود را انجام بده. ما، در این جا، علامتی می‌گذاریم که گواه گفتار تو باشد. برو به نزد سید ابوالحسن، و بگو تا برخیزد و بیاید و آن مرد را بیاورد و منفعت چند ساله را از او بگیرد و به دیگران دهد تا بنای مسجد بنهند، و باقی وجوه را از رهق^۷ به ناحیه‌ی اردهال که ملک ما است، بیاورد، و مسجد را تمام کند، و نصف رهق را بر این مسجد وقف کردیم که هر ساله وجوه آن را بیاورند و صرف عمارت مسجد کنند.

مردم را بگو تا به این موضع رغبت کنند و عزیز بدارند و چهار رکعت نماز در این جا



بگذارند: دو رکعت تحیّت مسجد، در هر رکعتی، یک بار «سوره‌ی حمد» و هفت بار سوره‌ی «قل هو الله احد» [بخوانند] و تسبیح رکوع و سجود را، هفت بار بگویند. و دو رکعت نماز صاحب الزّمان بگذارند، بر این نسق که در [هنگام خواندن سوره‌ی] حمد چون به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» برسند، آن را صد بار بگویند، و بعد از آن، فاتحه را تا آخر بخوانند. رکعت دوم را نیز به همین طریق انجام دهند. تسبیح رکوع و سجود را نیز هفت بار بگویند. هنگامی که نماز تمام شد، تهلیل (یعنی، لا إله إلاّ الله) ^۸ بگویند و تسبیح فاطمه‌ی زهرا عليها السلام را بگویند. آن گاه سر بر سجده نهاده، صد بار صلوات بر پیغمبر و آل اش، صلوات الله عليهم، بفرستند.».

و این نقل، از لفظ مبارک امام عليه السلام است که فرمود:

فَمَنْ صَلَّى هُنَا، فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛

هر کس، این دو رکعت [یا این دو نماز] را بخواند، گویی در خانه‌ی کعبه آن را خوانده است ..

حسن بن مثله می‌گوید: «در دل خود گفتم که تو این جا را یک زمین عادی خیال می‌کنی، این جا مسجد حضرت صاحب الزّمان عليه السلام است.».

پس آن حضرت به من اشاره کردند که برو!

چون مقداری راه پیموادم، بار دیگر مرا صدا کردند و فرمودند: «در گله‌ی جعفر کاشانی - چوپان - بُزی است، باید آن بز را بخری. اگر مردم پول اش را دادند، با پول آنان خریداری کن، وگرنه پول اش را خودت پرداخت کن. فردا شب آن بز را بیاور و در این موضع ذبح کن. آن گاه روز چهارشنبه ^۹ هجدهم ماه مبارک رمضان، گوشت آن بز را بر بیماران و کسانی که مرض صعب‌العلاج دارند، انفاق کن که حق تعالی همه را شفا دهد.

آن بز، ابلق است. موهای بسیار دارد. هفت نشان سفید و سیاه، هر یکی به اندازه‌ی یک درهم، در دو طرف آن است که سه نشان در یک طرف و چهار نشان در طرف دیگر آن است.».

آن گاه به راه افتادم. یک بار دیگر مرا فرا خواند و فرمود: «هفت روز یا هفتاد روز در این محلّ اقامت کن.» ^{۱۰}



حسن بن مثله می‌گوید: «من، به خانه رفتم و همه‌ی شب را در اندیشه بودم تا صبح طلوع کرد. نماز صبح خواندم و به نزد علی منذر رفتم و آن داستان را با او در میان نهادم. همراه علی منذر، به جایگاه دیشب رفتیم. پس او گفت: «به خدا سوگند که نشان و علامتی که امام علیه السلام فرموده بود، این جا نهاده است و آن، این که حدود مسجد، با میخ‌ها و زنجیرها مشخص شده است.»

آن گاه به نزد سید ابوالحسن الرضا رفتیم. چون به سرای وی رسیدیم، غلامان و خادمان ایشان گفتند:

«شما از جمکران هستید؟». گفتیم: «آری.» پس گفتند: «از اوّل بامداد، سید ابوالحسن در انتظار شما است.»

پس وارد شدم و سلام گفتم. جواب نیکو داد و بسیار احترام کرد و مرا در جای نیکو نشانید. پیش از آن که من سخن بگویم، او سخن آغاز کرد و گفت: «ای حسن بن مثله! من خوابیده بودم. شخصی در عالم رؤیا به من گفت:

«شخصی به نام حسن بن مثله، بامدادان، از جمکران پیش تو خواهد آمد. آن چه بگوید، اعتماد کن و گفتارش را تصدیق کن که سخن او، سخن ما است. هرگز، سخن او را ردّ نکن.» از خواب بیدار شدم و تا این ساعت در انتظار تو بودم.

حسن بن مثله، داستان را مشروحاً برای او نقل کرد. سید ابوالحسن، دستور داد بر اسب‌ها زین نهادند. سوار شدند. به سوی ده (جمکران) رهسپار گردیدند.

چون به نزدیک ده رسیدند، جعفر شبان را دیدند که گله‌اش را در کنار راه به چرا آورده بود. حسن بن مثله، به میان گله رفت. آن بز که از پشت سر گله می‌آمد، به سویش دوید. حسن بن مثله، آن بز را گرفت و خواست پولش را پرداخت کند که جعفر گفت: «به خدا سوگند! تا به امروز، من این بز را ندیده بودم و هرگز در گله‌ی من نبود، جز امروز که در میان گله، آن را دیدم و هر چند خواستم که آن را بگیرم، میسر نشد.»

پس آن بز را به جایگاه آوردند و در آن جا سر بریدند.

سید ابوالحسن الرضا به آن محلّ معهود آمد و حسن بن مسلم را احضار کرد و منافع



زمین را از او گرفت.

آن گاه وجوه رهق را نیز از اهالی آن جا گرفتند و به ساختمان مسجد پرداختند و سقف مسجد را با چوب پوشانیدند.

سید ابوالحسن الرضا، زنجیرها و میخ‌ها را به قم آورد و در خانه‌ی خود نگهداری کرد. هر بیمار صعب‌العلاجی که خود را به این زنجیرها می‌مالید، در حال، شفا می‌یافت. ابوالحسن محمد بن حیدر گفت: «به طور مستفیض شنیدم، پس از آن که سید ابوالحسن الرضا وفات کرد و در محله‌ی موسویان (خیابان آذر فعلی) مدفون شد، یکی از فرزندان‌اش بیمار گردید. داخل اطاق شده سر صندوق را برداشت زنجیرها و میخ‌ها را نیافت.»

منبع‌شناسی مسجد جمکران

منابع تأسیس مسجد مقدس جمکران به فرمان حضرت صاحب الزمان، ارواحنا فدا، بر اساس تسلسل زمانی، به شرح زیر است:

۱- نخستین کسی که این داستان را در کتاب خود آورده، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، مشهور به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هجری) است. ایشان، مشروح آن را در کتاب مونس الحزین فی معرفة الحق والیقین درج کرده است.

با توجه به این که تأسیس این مسجد در عصر شیخ صدوق علیه السلام واقع شده، و ایشان در قم زندگی می‌کرد، طبعاً، همه‌ی جزئیات آن را بدون واسطه از حسن بن مثله، و سید ابوالحسن الرضا و دیگر شاهدان عینی، شنیده و نقل کرده است.

کتاب مونس الحزین، همانند ده‌ها اثر گران‌بهای دیگر شیخ صدوق، در طول زمان، از بین رفته و به دست ما نرسیده است.

۲- حسن بن محمد بن حسن قمی، معاصر شیخ صدوق، صاحب کتاب گران سنگ تاریخ قم، شرح آن واقعه را از کتاب شیخ صدوق نقل کرده است.

کتاب تاریخ قم در عصر شیخ صدوق، به سال ۳۷۸ هجری، در بیست باب به رشته‌ی تحریر در آمده است.

۳- حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، به سال ۸۶۵ هجری آن را به فارسی ترجمه کرده است. (الذریعه، ج ۳، ص ۲۷۶).

۴- متن عربی کتاب، به دست مولی محمد باقر مجلسی، (متوفای ۱۱۱۰ هجری) نرسیده، ولی ترجمه‌ی فارسی آن به دست ایشان رسیده [بحار، ج ۱، ص ۴۲] و احادیث مربوط به قم را در جلد «السَّماءُ وَالعَالَمُ» از آن روایت کرده است. (بحار، ج ۶۰، ص ۲۰۸-۲۲۱).

۵- سید نعمت‌الله جزائری، صاحب أنوار نعمانیّه (متوفای ۱۱۱۲ هجری) ترجمه‌ی فارسی آن را دیده و داستان تأسیس مسجد مقدّس جمکران را با خط خود، از آن استنساخ کرده است (بحار، ۵۳، ص ۲۵۴).

۶- شاگرد فرزانه‌ی علامه مجلسی، میرزا عبدالله افندی، (متوفای ۱۱۳۰ هجری) نسخه‌ای از ترجمه‌ی فارسی آن را در بیست باب، در قم مشاهده کرده و گزارش آن را در تألیف گران‌بهای خود آورده و تصریح کرده که این ترجمه، به سال ۸۶۵ هجری، به دستور خواجه فخرالدین ابراهیم، انجام یافته است. (ریاض العلماء، ج ۱، ص ۳۱۹).

۷- سید امیر محمد اشرف، معاصر و شاگرد علامه مجلسی، صاحب کتاب فضائل السّادات (متوفای ۱۱۴۵ هجری) متن عربی آن را دیده و از آن نقل کرده است. (جنة المأوی، ص ۴۷).

۸- سید محمد بن محمد بن هاشم رضوی قمی، به سال ۱۱۷۹ هجری، بنا به خواهش محمد صالح معلّم قمی، کتابی در این رابطه تألیف کرده و آن را خلاصه البلدان نام نهاده است. این کتاب، احادیث مربوط به شرافت قم و تاریخچه‌ی تأسیس مسجد مقدّس جمکران را دربر دارد. (الذریعه، ج ۷، ص ۲۱۶).

۹- شایسته‌ی تأمل است که آقا محمد علی کرمانشاهی، فرزند وحید بهبهانی، (متوفای ۱۲۱۶ هجری) به متن عربی تاریخ قم دست‌رسی داشته و در حاشیه‌ی خود بر کتاب نقد الرّجال تفرشی، شرح حال «حسن بن مثله» و خلاصه‌ی داستان تأسیس مسجد مقدّس جمکران را به نقل از متن عربی آن آورده است. (بحار، ج ۵۳، ص ۲۳۴).



۱۰- محقق و متبّع بی نظیر، میرزا حسین نوری، متوفای ۱۳۲۰ هجری، پس از جست و جوی فراوان، به هشت باب از ترجمه‌ی تاریخ قم دست یافته (جنة المأوی، ص ۴۷ و بحار، ج ۵۳، ص ۲۳۴) و مشروح داستان تأسیس مسجد مقدّس جمکران را از ترجمه‌ی تاریخ قم، از روی دست خط سیّد نعمت الله جزائری، در آثار ارزش مند خود آورده است:

۱- جنة المأوی، چاپ بیروت، دارالمحجّة البيضاء، ۱۴۱۲ هجری، ص ۴۲ - ۴۶.

۲- همان، به پیوست، بحار الأنوار، چاپ بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هجری، ج ۵۳، ص ۲۳۰ - ۲۳۴.

۳- نجم ثاقب، چاپ تهران، علمیه‌ی اسلامیّه، بی تا، ص ۲۱۲ - ۲۱۵.

۴- کلمه‌ی طیّبه، چاپ سنگی، بمبئی، ۱۳۰۳ هجری، ص ۳۳۷.

۵- مستدرک الوسائل، چاپ قم، مؤسسه‌ی آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۷ هجری، ج ۳، ص ۴۳۲ و ۴۴۷.

۱۱- شیخ محمّد علی کچویی قمی (متوفای ۱۳۳۵ هجری) مشروح آن را از کتاب‌های خلاصه البلدان، نجم ثاقب، کلمه‌ی طیّبه، در کتاب ارزش مند أنوار المشعّین، چاپ قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۲۳ هجری، ج اوّل، ص ۴۴۱ - ۴۴۹ (چاپ سنگی ۱۳۲۷ هجری، جلد اوّل، ص ۱۸۴ - ۱۸۹)، نقل کرده است.

۱۲- حاج شیخ علی یزدی حائری (متوفای ۱۳۳۳ هجری) مشروح آن را در کتاب إلزام الناصب، چاپ بیروت، مؤسسه‌ی اعلمی، ۱۳۹۷ هجری، جلد دوم، ص ۵۸ - ۶۲، به نقل از محدّث نوری، از ترجمه‌ی تاریخ قم آورده است.

۱۳- همه‌ی کسانی که بعد از محدّث نوری درباره‌ی تاریخ قم کتاب نوشته‌اند، مشروح داستان تأسیس مسجد مقدّس جمکران را از ایشان نقل کرده‌اند. شیخ محمّد حسن ناصر الشریعه، متوفای ۱۳۸۰ هجری، در تاریخ قم، چاپ قم، مؤسسه‌ی مطبوعاتی دارالعلم، ۱۳۴۲ شمسی، ص ۱۴۷ - ۱۵۶، یکی از آن افراد است.

۱۴- همه‌ی علمای معاصر که در این رابطه کتاب نوشته‌اند، همانند علامه‌ی معاصر آیه الله حاج شیخ محمّد غروی، در کتاب گران سنگ المختار من کلمات الإمام المهدي علیّه السلام،



چاپ قم، ۱۴۱۴ هجری، جلد یکم، ص ۴۴۰ - ۴۴۸، نیز به این واقعه اشاره کرده است.
۱۵- در این اواخر، در کتاب‌های مستقل و مستندی - مانند موارد زیر - به شرح و بسط
داستان تأسیس مسجد مقدّس جمکران پرداخته شده است:

- ۱- تاریخ بنای مسجد جمکران؛
- ۲- تاریخ مسجد مقدّس جمکران؛
- ۳- تاریخچه‌ی بنای مسجد جمکران؛
- ۴- توجّه امام زمان به مسجد جمکران؛
- ۵- توشه‌ی مسجد جمکران؛
- ۶- در بارگاه منتظر؛
- ۷- در حریم جمکران؛
- ۸- سیمای مسجد جمکران؛
- ۹- فیض حضور برای گمشدگان؛
- ۱۰- مباحثی چند درباره‌ی مسجد جمکران؛
- ۱۱- مسجد مقدّس جمکران؛
- ۱۲- مسجد جمکران المقدّس؛
- ۱۳- مسجد صاحب الزمان؛
- ۱۴- معجزه‌ی مسجد جمکران.

برای کسب معلومات وسیع‌تر در مورد آثار یاد شده، به کتابنامه‌ی حضرت مهدی علیه السلام
تحت عناوین فوق، مراجعه فرمایید:

نظر مرحوم آیه‌الله حائری در باره‌ی مسجد جمکران

در آخرین فراز از بخش مسجد مقدّس جمکران، متذکّر می‌شویم که اگر بخواهیم نظر
مراجع گذشته و معاصر را در مورد مسجد مقدّس جمکران یاد آور شویم، به تألیف کتاب
مستقلی در این رابطه ناگزیر خواهیم بود. لذا این موضوع را به فرصت دیگری موکول
می‌کنیم. این بخش را با بیان نظر مرحوم آیه‌الله حاج شیخ مرتضی حائری (متوفای ۲۴
جمادی الثانیه ۱۴۰۶ هجری) که همگان با مقام رفیع علمی و تقوایی ایشان، آشنا هستند،

حسن ختام می‌بخشیم.

مرحوم آیه الله حائری، کتاب ارزش مندی دارند که این نویسنده، آن کتاب را از محضر معظم له امانت گرفتم و با اجازه‌ی ایشان زیراکس کردم.

هنگامی که دست نویس‌های ایشان را به محضر مقدس ایشان بردم، از خدمت‌شان پرسیدم: «آیا برای نقل مطالب این کتاب، مجاز هستم؟». ایشان، ضمن این که اجازه دادند، فرمودند: «من، در این کتاب، فقط مطالبی را آوردم که بر صحت آنها اعتقاد دارم و می‌توانم بر صحت آنها قسم حضرت عباس بخورم.»

مرحوم آیه الله حائری، در این کتاب می‌فرمایند:

مسجد جمکران، یکی از آیات باهرات آن حضرت است. توضیح این مطلب، در ضمن چند جهت - که شاید خیلی‌ها از آن غافل باشند - مذکور می‌شود:

۱- داستان مسجد جمکران که در بیداری واقع شده، در کتاب تاریخ قم که کتاب معتبری است، از صدوق، علیه‌الرحمه، نقل شده است.

مرحوم آقای بروجردی که مرد دقیق و ملایمی بود، می‌فرمود: «این داستان، در زمان صدوق، علیه‌الرحمه، واقع شده و این که او نقل کرده است، دلالت بر کمال صحت آن دارد.

۲- داستان، مشتمل بر جریان‌هایی است که مربوط به یک نفر نیست، برای این که صبح که مردم بیدار می‌شوند، می‌بینند با زنجیر، علامت گذاشته شده است که مردم باور کنند. و این زنجیر، مدتی در منزل سید محترمی، ظاهراً به نام سید ابوالحسن الرضا، بوده است و مردم به آن استشفاء می‌کرده‌اند و بعداً، بدون هیچ جهت طبیعی، مفقود می‌شود.

۳- جای دور از شهر و در وسط بیابان، جایی نیست که مورد جعل یک فرد جمکرانی بشود، آن هم دست تنها، در یک شب ماه رمضان.

۴- نوعاً، مردم عادی، به واسطه‌ی خواب، یک امامزاده را معین می‌کنند و مسجد، از تصور مردم عادی، دور است.

۵- اگر پیدایش این مسجد روی احساسات مذهبی و علاقه‌ی مفرط به حضرت صاحب الامر علیه‌السلام بود، می‌بایست سراسر، توسل به آن بزرگوار باشد، چنان که در این عصر، مردم، بیش‌تر، زیارت حضرت‌اش را در آن مسجد می‌خوانند و

متوسل به آن حضرت می‌شوند، در صورتی که در این دستور معنوی، اصلاً، اسمی از آن حضرت نیست، حتی تا به حال هم بیشتر معروف به مسجد جمکران است، نه مسجد صاحب الزمان.

۶- متن دستور، موافق با ادله‌ی دیگر است؛ برای این که هم نماز تحیت مسجد وارد شده است و هم نماز امام زمان علیه السلام با صد بار ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ و هم تهلیل و تسبیح فاطمه‌ی زهرا، سلام الله علیها.

۷- این دو داستان که نقل شد، مشهود و یا مثل مشهود خودم بود^{۱۱} و داستان‌های دیگری هست که فعلاً تمام خصوصیات آن را در نظر ندارم. بعداً، ان شاء الله، تحقیق کرده، در این دفتر، یادنه تعالی، ذکر می‌کنم.

۸- در آن موقع که زمین، این قدر بی‌ارزش بوده است، فقط یک مساحت کوچکی را مورد این دستور قرار داده‌اند، که ظاهراً حدود سه چشمه از مسجد فعلی است که در زمان ما خیلی بزرگ شده است: ظاهراً، آن چشمه‌ای که در آن، محراب هست، و دو چشمه‌ی طرفین باشد.

نگارنده که خالی از وسوسه نیستم و خیلی به نقلیات مردم خوش بین نیستم، از این امارات، به صحت این مسجد مبارک قطع دارم. والحمد لله علی ذلك و علی غیره من النعم التي لا تحصى.^{۱۲}

پیشگویی امیر مؤمنان علیه السلام از مسجد جمکران

مطابق نقل خلاصة البلدان از کتاب مونس الحزین شیخ صدوق، امیر مؤمنان علیه السلام از مسجد مقدس جمکران سخن گفته است.

محمد بن محمد بن هاشم حسینی رضوی قمی، به تقاضای مولی محمد صالح قمی، به سال ۱۱۷۹ هجری، در باره‌ی فضیلت شهر قم و تاریخچه‌ی تأسیس مسجد مقدس جمکران، کتاب ارزش‌مندی تألیف و آن را خلاصة البلدان نام نهاده است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی، این کتاب را مشاهده کرده و گزارش آن را در الذریعه آورده است.^{۱۳}

مرحوم کاتوزیان، این کتاب را در اختیار داشته، فزاهایی از این کتاب را در کتاب أنوار



المشعشعین آورده است.

وی، در این رابطه، حدیثی از امیر مؤمنان علیه السلام آورده، که فرازهایی از آن را در این جا می آوریم و علاقه مندان به تفصیل بیش تر را به کتاب انوار المشعشعین رهنمون می شویم. او می گوید:

در کتاب خلاصة البدان از کتاب مونس الحزین - از تصنیفات شیخ صدوق - با سند صحیح و معتبر، از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده که خطاب به حذیفه فرمود: « ای پسر یمانی! در اول ظهور، خروج نماید قائم آل محمد علیه السلام از شهری که آن را قم گویند^{۱۴} و مردم را دعوت به حق می کند، همه ی خلایق از شرق و غرب، به آن شهر روی آورند و اسلام، تازه شود. ~~ای پسر یمانی! این زمین، مقدّس است، از همه ی لوّث ها، پاک است ... عمارت آن، هفت فرسنگ در هشت فرسنگ باشد. رایت وی بر این کوه سفید بزنند، به نزد دهی کهن، که در جنب مسجد است، و قصری کهن - که قصر مجوس است - و آن را « جمکران » خوانند. از زیر یک مناره ی آن مسجد بیرون آید، نزدیک آن جا که آتش خانه ی گبران بوده ... »^{۱۵}.~~

از این حدیث شریف، استفاده می شود به طوری که مسجد سهله در دوران ظهور حضرت بقیّة الله، ارواحنا فداه، پایگاه آن حضرت خواهد بود، مسجد مقدّس جمکران نیز در عصر ظهور، جایگاه خاصّی دارد و پایگاه دیگری برای آن حضرت است.

مرحوم کاتوزیان، پس از نقل متن کامل حدیث، به شرح و تفسیر آن پرداخته، در باره ی کوه سفید و قصر مجوس و دیگر تعبیرهایی که در حدیث شریف آمده و ما به جهت اختصار نیاوردیم، به تفصیل، سخن گفته است.^{۱۶}

خوانندگان گرامی، توجّه دارند که احادیث ملاحم، چندان نیازی به تحقیق در سند ندارند؛ زیرا، جز معصومان علیهم السلام که با سرچشمه ی وحی مربوط بودند، شخص دیگری نمی توانست خبری بگوید که صدها سال بعد تحقیق پیدا کند.

روزی که امیر مؤمنان علیه السلام به حذیفه از مسجد جمکران خبر می داد، در سرزمین حجاز



و عراق، کم‌تر کسی نام قم را شنیده بود، لذا می‌بینیم که در احادیث فراوانی، به هنگام بحث از قم، به «در نزدیکی ری» تعبیر شده تا به این وسیله، موقعیت جغرافیایی شهر قم، برای اصحاب ائمه علیهم‌السلام روشن گردد.

از این رهگذر، احتمال نمی‌رود که احدی از مردم حجاز، نام جمکران را به عنوان یکی از دهات قم شنیده باشد.

نکات ریزی که در مورد قصر مجوس و آتش‌خانه‌ی گبران آمده، مطلبی نبود که در حجاز و عراق، کسی از آن آگاه باشد.

به هنگام صدور این حدیث از مولای متقیان علیه‌السلام، کسی نمی‌توانست پیش‌بینی کند که در کنار ده جمکران، در آینده، مسجدی ساخته خواهد شد و با حضرت بقیة الله (عج) - که آن روز متولد نشده بود - ارتباط خواهد داشت.

هنگامی که شیخ صدوق، این حدیث را در کتاب مونس‌ال‌حزین درج می‌کرد، بدون تردید، این مسجد، مناره نداشت.

هنگامی که صاحب خلاصة البلدان، در قرن دوازدهم، این حدیث را از مونس‌ال‌حزین نقل می‌کرد، باز هم مسجد مقدس جمکران، مناره‌ای نداشت؛ زیرا، برای نخستین بار، در سال ۱۳۱۸ هجری، یک مناره در زاویه‌ی جنوب شرقی مسجد ساخته شد.^{۱۷}

هنگامی که مرحوم کاتوزیان، این حدیث را در کتاب أنوار المشعشعین می‌نوشت، مسجد جمکران، فقط یک مناره داشت و تا چند سال پیش نیز به همین منوال بود، ولی در این حدیث آمده است که «از زیر یک مناره‌ی آن، مسجد، بیرون آید».^{۱۸}

این تعبیر، صریح است در این که به هنگام ظهور حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، مسجد مقدس جمکران، بیش از یک مناره خواهد داشت، در حالی که به هنگام چاپ کتاب (۱۳۲۷ هجری) مسجد، فقط یک مناره داشت.



معجزات حضرت بقیة الله علیه السلام در مسجد مقدس جمکران

کرامات و معجزات و عنایاتی که از ائمه‌ی اطهار علیهم السلام صادر گشته و از سوی راویان مورد اعتماد روایت شده، و در کتاب‌های مورد استناد ثبت گردیده، منحصر به صدر اسلام و قرون اولیه‌ی اسلام نیست، بلکه هر روز در گوشه و کنار جهان، بویژه در حرم ائمه‌ی هدی علیه السلام معجزات و کرامات تازه‌ای تحقق می‌یابد که دلیل حقیقت پیشوایان شیعه، و مایه‌ی دل‌گرمی شیعیان است.

هر یک از شما، یک یا چند معجزه در حرم مطهر ثامن الحجج امام علی بن موسی الرضا علیه السلام دیده و یا شنیده‌اید.

اکنون که دوران فرمانروایی حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، است، همه روزه، ده‌ها نفر در اقطار و اکناف جهان، با توسل به ذیل عنایت آن حضرت علیه السلام، از امراض صعب‌العلاج و دیگر گرفتاری‌های خانمان‌سوز، به طور معجز‌آسا، رهایی می‌یابند و برای همیشه، خود را رهین عنایت آن حضرت می‌دانند.

در این جا، یکی از این کرامت‌ها را که در شب دوازدهم جمادی‌الاولی ۱۴۱۴ هجری، در مسجد مقدس جمکران، برای یک کودک سیزده ساله‌ی زاهدانی روی داد، برای نورانیت قلب خوانندگان گرامی می‌آوریم.

این کودک، سعید چندانی، دانش‌آموز کلاس پنجم ابتدایی است که در دبستان محمد علی فائق، در زاهدان، مشغول تحصیل است.

سعید، در یک خانواده‌ی مذهبی، در زاهدان متولد شده و بر شیوه‌ی عقاید اهل تسنن تربیت یافته است.

مادر سعید، اگر چه از لحاظ نسب، به خاندان عصمت و طهارت منسوب است، ولی او نیز سنی حنفی است.

سعید، یک سال و هشت ماه پیش از تاریخ یاد شده، در یک تعمیرگاه ماشین، پایش می‌لغزد و به چاهی که روغن و فاضلاب تعمیرگاه در آن می‌ریخته می‌افتد، و جراحات‌های مختلفی بر بدن‌اش وارد می‌شود. این جراحات‌ها، بهبود می‌یابد، ولی غده‌ای در ناحیه‌ی

شکم پدید می آید. نخست، خیال می کنند که فتق است، ولی با گذشت چند ماه، پزشکان معالج، اظهار می کنند که غده‌ی سرطانی است و باید او را برای معالجه به تهران ببرند. او را به تهران می آورند و در «بیمارستان هزار تختخوابی» بستری می کنند. پس از نمونه برداری و احراز غده‌ی بدخیم سرطانی، او را به «بیمارستان الوند» منتقل می کنند و غده‌ای به وزن یک کیلو و نیم از شکم او بیرون می آورند، ولی در مدت کوتاهی، جای غده، پر می شود. پزشکان، اظهار می کنند که با این رشد سریع غده، دیگر کاری از ما ساخته نیست.

مادر سعید، شبی در خواب می بیند که به او می گویند: «سعید را به مسجد جمکران ببرید.»

طبعاً، یک زن سنی، نمی داند که مسجد جمکران کجا است، ولی هنگامی که خواب‌اش را برای دیگران نقل می کند، او را به مسجد جمکران قم راهنمایی می کنند. وی، سعید را با دیگر فرزندش، محمد نعیم، به قم می آورد و بلافاصله به مسجد مقدس جمکران مشرف می شوند.

سعید، روز سه‌شنبه یازدهم جمادی‌الاولی ۱۴۱۴ هجری ساعت یک و نیم بعد از ظهر، وارد مسجد جمکران می شود. خدام مسجد، وضع او را که به این منوال می بینند، او را در اتاق شماره‌ی هشت زایرسرای مسجد، اسکان می دهند.

مادر سعید، اعمال مسجد را فرا می گیرد، با پسرش، محمد نعیم، اعمال مسجد را انجام می دهد، آن گاه عریضه‌ای تهیه می کند و آن را در چاه می اندازد، و با دلی سرشار از امید، به ذیل عنایت حضرت بقیة‌الله، ارواحنا فدا، متوسل می شود.

شب، فرا می رسد و عاشقان حضرت بقیة‌الله، ارواحنا فدا، طبق رسم سنواتی که شب‌های چهارشنبه، از راه‌های دور و نزدیک، به مسجد مقدس جمکران مشرف می شوند، دسته دسته می آیند، در مسجد، به عبادت و نیایش می پردازند.

مشاهده‌ی این شور و هیجان مردم، در دل مادر سعید، طوفانی ایجاد می کند. او نیز همراه ده‌ها هزار زایر به عبادت و دعا و تضرع می پردازد و شفای فرزندش را از حضرت



بقیة الله، ارواحنا فداء، با اصرار و الحاح مسئلت می کند.

هنگامی که به اتاق مسکونی اش در زایر سرای مسجد می آید، دو نفر از خادمان، با اخلاص، به اطاق او می آیند و در آن جا عزاداری می کنند و برای شفای سعید، به طور دسته جمعی، دست به دعا برمی دارند.

سعید می گوید:

درست، ساعت سهی بعد از نیمه شب بود که در عالم رؤیا دیدم نوری از پشت دیوار ساطع شد و به طرف من به راه افتاد.

او، یک انسان بود، ولی من، از او، فقط نور خیره کننده ای می دیدم که آهسته آهسته به من نزدیک می شد.

من، ابتدا، مضطرب شدم، ولی سعی کردم که بر خودم مسلط شوم. هنگامی که نور به من رسید، به ناحیه ی سینه و شکم من اصابت کرد و برگشت.

من، از خواب بیدار شدم و چیزی متوجه نشدم و باز هم خوابیدم. صبح که از خواب برخاستم، سعی کردم که خودم را به عصایم نزدیک کنم و عصا را بردارم، ناگاه متوجه شدم که بدن ام سبک شده و آن حالت درد شدید، به کلی، از من رفع شده است.

در آن وقت، متوجه شدم که شفا یافته ام و آن نور، وجود مقدس حضرت صاحب الزمان علیه السلام بوده است.»

این معجزه ی باهر و کرامت ظاهر، در شب چهارشنبه دوازدهم جمادی الأولى ۱۴۱۴ هجری برابر با پنجم آبان ۱۳۷۲ خورشیدی رخ داد.

سعید، با مادر و برادر خود، سه شب، در زائر سرای مسجد اقامت کردند. شب سوم که شب جمعه بود، عنایت دیگری شد که این بار، در بیداری انجام پذیرفت. اینک، متن آن واقعه را از زبان سعید بشنوید:

شب جمعه، در اتاق شماره ی هشت نشسته بودم و مادرم مشغول تلاوت قرآن بود. احساس کردم که شخصی در کنار من نشست و برای من، رهنمودها و دستورالعمل هایی را بیان فرمود.



چون سخنان اش تمام شد، برگشتم و کسی را ندیدم. از مادرم پرسیدم که: «مادر! با من بودی؟». گفت: «من، قرآن می خواندم، با تو نیستم». پرسیدم: «پس این کی بود که با من سخن می گفت؟». مادرم گفت: «کسی در این جا نیست». در آن موقع، پتو را بر سرم کشیدم و هر چه به مغزم فشار آوردم که مطالب آن شخص را به خاطر بیاورم، چیزی به یادم نیامد.»

روز جمعه، سعید و مادرش، به تهران باز می گردند و به بیمارستان الوند مراجعه می کنند. پس از عکس برداری، معلوم می شود که سعید، صحیح و سالم است و از غده‌ی بدخیم سرطانی، هیچ خبری نیست.

بدین گونه، این کودک سعادت مند - که به حق، «سعید» نامگذاری شده - از معجزات باهر حضرت ولی عصر، ارواحنا فدا، بهبودی کامل خود را در می یابد.

دو هفته بعد (شب چهارشنبه بیست و پنجم جمادی الأولى برابر با ۱۹/۸/۷۲) سعید، با مادرش و برادرش محمد نعیم، به جمکران آمده بود تا پیشانی ادب بر آستان مسجد حضرت صاحب الزمان علیه السلام بسایند و از محضر مولا و مقتدایش تشکر کند. خوش بختانه، حقیر هم در مسجد بودم و از داستان شفا یافتن او آگاه بودم. با او به دفتر مسجد رفتم و در حضور ده‌ها نفر از دوستان، مطالب بالا را از زبان سعید بدون واسطه شنیدم.

مادرش، از خوش حالی، در پوست خود نمی گنجید و بر حضرت بقیة الله، ارواحنا فدا، پیوسته درود می فرستاد و سخنانی می گفت که از یک فرد سنی مذهب بسیار جالب بود. مثلاً می گفت: «من نمی دانم الآن امام زمان علیه السلام کجا است: آیا در دریاها، کشتی‌ها را نجات می دهد و یا در آسمان‌ها، هواپیماها را نجات می دهد؟».

سعید، در این سفر، با کوله‌باری از پرونده‌های پزشکی و عکس‌ها و آزمایش‌ها آمده بود، که آنان را به مشتاقان ارائه دهد. از اسناد پزشکی او، مسئولان مسجد، فیلم برداری کردند. از خود سعید و مادرش نیز فیلم برداری شد، و سخنان شان ضبط گردید. بی گمان، خانواده‌ی «چندانی» در میان خانواده‌های معتقد اهل سنت، مبلغ صمیمی و بی قرار

حضرت بقیة الله، عجل الله تعالی فرجه الشریف، خواهند بود.

جمکران، میعادگاه عاشقان

در طول سال، شب‌های چهارشنبه، مسجد مقدس جمکران، پذیرای قریب یکصد هزار عاشق دل‌باخته است که از شهرهای دور و نزدیک، به شهر مقدس قم روی می‌آورند و در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام پیشانی ادب بر آستان می‌سایند و آن‌گاه راهی مسجد مقدس جمکران می‌شوند و با امام رؤوف، به راز و نیاز می‌پردازند.

از چهره‌های برجسته‌ای که ارادت خاصی به مسجد مقدس جمکران داشتند و خوانندگان گرامی با شخصیت علمی و تقوایی آنان آشنایی دارند، آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری، حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، حاج سید محمد تقی خوانساری، حاج سید محمد حجت کوهکمری، حاج آقا حسین بروجردی، حاج سید حسین قاضی، حاج شیخ محمد تقی بافقی، حاج آقا مرتضی حائری را می‌توان نام برد.

برای مرحوم آیه الله حائری، هر وقت مشکلی پیش می‌آمد، مرحوم آیه الله بافقی را به مسجد جمکران می‌فرستاد و رفع مشکل می‌شد.

هر وقت شهریه‌ی حوزه تأمین نمی‌شد، مرحوم آیه الله حجت، به مسجد مقدس جمکران مشرف می‌شد و همان روز، شهریه تأمین می‌گردید.

برای مرحوم آیه الله بروجردی، هر وقت مشکلی پیش می‌آمد، گوسفندی می‌فرستاد تا در کنار مسجد جمکران قربانی کنند.

برای مرحوم آیه الله گلپایگانی، هر وقت مشکلی پیش می‌آمد، عریضه‌ای می‌نوشت و با گروهی از اصحاب و فرزندان خود، به مسجد مقدس جمکران مشرف می‌شد و توسل می‌کرد و رفع مشکل می‌شد.

مرحوم آیه الله مرعشی، چهل شب چهارشنبه، در مسجد جمکران بیتوته کرد.

آیه الله صافی، در مورد پدر بزرگوارشان، مرحوم آیه الله حاج ملا جواد صافی گلپایگانی، نقل فرمودند که ملتزم بود حتی الامکان، پیاده به مسجد جمکران مشرف شود.

آیه الله حاج سید محمد تقی خوانساری نیز غالباً، پیاده مشرف می‌شدند.



ختم زیارت عاشورا در مسجد جمکران

در عصر زعامت مرحوم آیه الله حاج سید محمد حجّت، قحطی و گرانی سختی پدید آمد، به طوری که نان سنگک دانه‌ای یک تومان رسید، در حالی که شهریه‌ی طلاب در ماه، فقط ده تومان بود.

مرحوم آیه الله حجّت، چهل تن از طلاب مهذب و متدین را دستور داد که به مسجد مقدّس جمکران مشرف شوند و در پشت بام مسجد، به صورت دسته جمعی، زیارت عاشورا را با صد سلام و لعن و دعای صفوان بخوانند و به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام و حضرت علی اصغر علیه السلام متوسّل شوند و رفع گرانی و نزول باران را از خداوند متعال بخواهند.

چهل تن طلبه‌ی مهذب و متدین، طبق فرمان مرجعیّت اعلای تشیّع، به میعادگاه عاشقان شرف‌یاب شدند. بعد از ادای نماز تحیّت و نماز حضرت بقیّه الله، ارواحنا فدا، و توسّل به ذیل عنایت فرمانروای جهان هستی، به پشت بام مسجد رفتند، ختم زیارت عاشورا را، طبق دستور آن مرجع وارسته، انجام دادند و حوائج خود را با شفیع قرار دادن سه تن باب الحوائج، به درگاه حضرت احدیّت، عرضه داشتند و مسجد را به قصد قم ترک کردند.

راه قدیمی مسجد جمکران، از طرف روستای جمکران بود. گروه چهل نفری طلاب، هنوز به ده جمکران نرسیده بودند که درهای رحمت گشوده شد و باران رحمت، سیل آسا فرو ریخت و طلاب، ناچار شدند که لباس‌های خود را درآورند، حتی کفش‌های خود را به دست گرفتند، از میان سیلاب‌ها عبور کردند.

این حادثه‌ی تاریخی را نخستین بار، از دانشمند معظم حجّة الاسلام والمسلمین استاد محمد امین رضوی صاحب کتاب ارزشمند تجسم اعمال - که خود جزء چهل تن بود - شنیدم.

بسیاری از آن چهل تن، به رحمت ایزدی پیوسته‌اند، ولی الحمدلله، برخی از آنان در قید حیات هستند که خوانندگان گرامی، می‌توانند از آنان تحقیق کنند.



اخیراً، این داستان از زبان حضرت آیه‌الله حاج سید مهدی اخوان مرعشی و حجة الاسلام والمسلمین آقای گل محمدی ابهری، منتشر شده است.^{۱۹}

بسیار مناسب است که مراجع بزرگوار عصر ما نیز در مشکلات مادی و معنوی، مردم را به مسجد مقدس جمکران و ختم زیارت عاشورا به صورت دسته جمعی در آن میعادگاه عاشقان، فرا خوانند.

خصوصیت شب چهارشنبه

مکرراً، با این سؤال مواجه شده‌ایم که «آیا شب چهارشنبه، خصوصیتی دارد؟».

در پاسخ، باید عرض کنیم که شب چهارشنبه، خصوصیت دارد. لذا می‌بینیم که حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، در همان فرمانی که برای تأسیس مسجد جمکران صادر کردند، فرمودند: «فردا شب که شب چهارشنبه است، آن بز را به همین جایگاه بیاور و ذبح کن و روز چهارشنبه که هجدهم ماه رمضان است، گوشت آن را به بیماران صعب‌العلاج انفاق کن که خداوند، همه‌شان را شفا عنایت می‌کند.»^{۲۰}

دعای عَظْمُ الْبَلَاءِ

در این جا یاد آوری این نکته لازم است که در مسجد مقدس جمکران، از دعاهای مربوط به حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، مانند «دعای ندبه»، «دعای سلام الله کامل»، «زیارت آل یاسین»، «دعای عهد»،... بویژه از دعای «اللهم عظم البلاء...» که بعد از نماز حضرت صاحب الزمان علیه السلام به آن امر شده است، غفلت نشود.^{۲۱}



پی‌نوشت‌ها:

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۱۴.
 ۲. صاحب مکیال، کیفیت تعظیم و تکریم آن اماکن را در کتاب مکیال المکارم، ج ۲ ص ۳۲۷-۳۳۰ شرح داده است.
 ۳. این تقریظ، در آغاز نجم ثاقب چاپ شده است. دست خط میرزای بزرگ، در کتابخانه‌ی آستان قدس، در یکی از نسخ خطی کتاب، به شماره‌ی ۹۳۶۱ موجود است.
 ۴. میرزای نوری، استظهار کرده‌اند که رقم «۳۹۳ هجری» تصحیف شده و صحیح آن «۳۷۳ هجری» است. (جَنَّة المأوی، ص ۴۷؛ نجم ثاقب، ص ۲۱۵؛ مستدرک: ج ۳، ص ۴۴۷).
 ۵. هرچند راوی این خبر شیخ صدوق، معتقد است که در زمان غیبت، نباید نام اصلی حضرت بقیة الله تَلَفُظ شود، ولی در این جا، برای رعایت امانت در نقل، به طور صریح آورده است.
 ۶. به جای «حسن بن مسلم»، در نجم ثاقب و جَنَّة المأوی، «حسن مسلم» آمده، ولی در مستدرک ج ۳، ص ۴۳۲، «حسن بن مسلم» تعبیر شده است. البته، نتیجه، مساوی است، و حذف واژه‌ی «بن» در نام‌ها، شایع است.
 ۷. رهق، نام روستایی است در ده فرسخی قم در مسیر کاشان، که تا زمان ما، آباد است. [مستدرک ج ۳، ص ۴۳۲].
 ۸. مرحوم نوری، معتقد است که باید: «لااله الا الله وحده وحده» گفته شود. [بحار، ج ۵۳، ص ۲۳۱].
 ۹. کلمه‌ی «چهارشنبه» در نجم ثاقب افتاده، ولی در جَنَّة المأوی و انوار المشعشعین آمده است. و اگر در متن هم نیامده بود، از بررسی متن استفاده می‌شد؛ زیرا، به طوری که در متن داستان تصریح شده، دیدار، در شب سه‌شنبه، شب هفدهم رمضان بوده است، پس شب هجدهم، شب
۱۰. ما، این تعبیر را از جَنَّة المأوی نقل کردیم، ولی در نجم ثاقب چنین آمده است: «هفتاد روز یا هفت روز، ما این جاییم» (نجم ثاقب، ص ۲۱۴).
 - با توجه به این که این ملاقات در شب هفدهم رمضان بود، اگر آن را بر هفت حمل کنی، بر شب بیست و سوم رمضان منطبق می‌شود که شب قدر است، و اگر بر هفتاد روز حمل کنی بر بیست و پنجم ذوالقعدة منطبق می‌شود که آن نیز روز مبارکی است.
 ۱۱. اشاره به دو داستان از عنایات حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، در مسجد مقدس جمکران است، که مرحوم آیه الله حائری آن‌ها را در کتاب خود آورده است.
 ۱۲. کریمه‌ی اهل بیت، ص ۴۸۴؛ سردلبیان، ص ۲۴۸-۲۵۰.
 ۱۳. الدررعة، ج ۷، ص ۲۱۶.
 ۱۴. تردیدی نیست که قیام نخستین حضرت بقیة الله، ارواحنا فداه، از مکه‌ی معظمه و کنار خانه‌ی خدا است. این حدیث و احادیث مشابه، به حرکت‌های بعدی آن کعبه‌ی مقصود، نظر دارد.
 ۱۵. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۴۵۳.
 ۱۶. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۴۵۴-۴۵۸.
 ۱۷. گنجینه‌ی آثار قم، ج ۲، ص ۶۷۲.
 ۱۸. انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۴۵۴.
 ۱۹. مسجد مقدس جمکران، ص ۴۰؛ زیارت عاشورا و آثار شگفت، ص ۵۵.
 ۲۰. جَنَّة المأوی، ص ۴۵؛ بحار، ص ۵۳، ص ۲۳۲.
 ۲۱. جمال الاسبوع، ص ۲۸۰.

